

۱۶۳۲۰۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

من یک احمق هستم شما چطور...!!!

www.ketab.ir

نگارش:

حسن چابک



انتشارات
چابک اندیش

چابک، حسن ۱۳۵۱-
 من یک احمق هستم شما چطور...!!! / ویرستار زهره افتخاری .
 تهران: چابک اندیش، ۱۳۹۷.
 ۱۴۴ ص.
 ۹۷۸-۶۰۰-۵۸۶۱-۲۸-۰

کودنی

Stupidity

راه رسم زندگی - جنبه های روانشناسی

Sonduct of life - psychological aspects

موفقیت خودشناسی - خودیاری

BF ۶۳۷ / ر ۲ چ ۲ ۱۳۹۷

۱۵۸/۱

۵۳۷۸۵۰۲۱

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

رده بندی کنگره

رده بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی

• من یک احمق هستم شما چطور...!!!

• انتشارات : چابک اندیش

• نویسنده: حسن چابک

• ویراستار: زهره افتخاری

• حروف نگاری: آبان گرافیک

• نوبت چاپ: سوم ۱۴۰۲

• تیراژ: ۲۰۰ نسخه

• شابک: ۰-۲۸-۵۸۶۱-۶۰۰-۹۷۸

• قیمت: ۶۹۰۰۰ تومان



مرکز پخش چابک اندیش:

۰۹۹۰۵۶۴۶۰۶۲

۰۹۱۲۱۵۷۱۲۸۲

۶۶۴۹۹۳۲۷- ۶۶۴۹۱۰۲۴

Chabokandish۸۶۹۳@gmail.com

t.me/chabok_andish

فهرست مطالب

مقدمه.....	۵
زندگی را زندگی باید کرد.....	۹
احمق‌ها چه کسانی هستند؟.....	۱۲
باورهای درست یا غلط در زندگی.....	۱۴
تنها و تنها احمق‌ها از نابوایی حرف می‌زنند.....	۲۸
زندگی ماشینی.....	۳۰
آموزش، دانش آموختگی، احمق بودن و دیگر هیچ.....	۳۳
جامعه بی‌سواد چگونه به وجود می‌آید؟.....	۳۶
زمانی که دوستان یک آدم احمق است!.....	۳۹
توقع آدم‌های احمق از یکدیگر:.....	۴۰
چه زمانی در نظر دوستان و اطرافیان تان احمق به نظر می‌رسید؟.....	۴۳
احمق‌ها همیشه معترض‌اند.....	۴۶
تحمل و مدارا.....	۴۸
زخم زبان.....	۵۰
دروغگوها احمق هستند.....	۵۳
دروغ‌گویی فطری است یا اکتسابی؟.....	۵۴
پیامدهای دروغ‌گویی.....	۵۵
چاپلوس‌های احمق.....	۵۸
فتنه‌گرهای احمق.....	۵۹

- ۶۰.....مداخله‌جویی احمق
- ۶۲.....اعتماد
- ۶۵.....انتقام (قدرت کینه)
- ۶۹.....قربانی شدن و فداکاری
- ۷۲.....تناقض‌گویی در رفتار
- ۷۵.....ارتباط بین افراد فقط شامل احساسات و روابط جنسی نیست
- ۷۸.....چشم و هم‌چشمی
- ۸۲.....والدین
- ۸۵.....آه و افسوس گذشته
- ۸۸.....نوکیسه‌ها یا تازه به دوران رسیده‌ها
- ۹۷.....بن‌بست‌ها
- ۱۰۰.....باورها
- ۱۰۴.....لجاجت احمقانه
- ۱۰۶.....من همینم که می‌بینم
- ۱۰۷.....خودتان باشید
- ۱۱۲.....ارزش‌ها
- ۱۱۳.....قیمت تو چقدر است؟
- ۱۱۵.....احمق‌های اداری
- ۱۱۸.....محیط زیست از نگاه احمق‌ها
- ۱۲۰.....احمقی و مفت‌خوری
- ۱۲۳.....آیا احمق بودن مادرزادی است؟
- ۱۲۶.....آدم خوش‌سخن احمق
- ۱۲۸.....پراکنده‌ها
- ۱۴۳.....سخن‌پایانی

مقدمه

ما در فرهنگی زندگی می‌کنیم که اصالت را در سابقه و ریشه افراد جستجو می‌کند نه در اعمال و رفتار منحصر به فرد آن‌ها. آنچه ما انجام می‌دهیم براساس آموخته‌هایی است که در دنیای پیرامونمان دیده‌ایم و خود با تجربه آن را کسب نکرده‌ایم. هیچ‌گاه در درستی و یا نادرستی مسأله‌ای تردید به خود راه نمی‌دهیم تا این تردید موجب شود درباره آن مسأله ریشه‌یابی کنیم و به درک درستی از آن برسیم.

بیشتر افراد حتی خود من وقتی می‌خواهیم بر درستی مسأله‌ای تأکید داشته باشیم، می‌گوییم «پدرم گفت...» و یا از افرادی نام می‌بریم که به زبان آوردن اسم‌شان باعث می‌شود دیگران حرف‌مان را تأیید کنند.

مسیر زندگی مملو از ناهمواری‌ها و پیچ و خم‌های فراوانی است که اگر با اندیشه درست همراه شود، بسیار لذت‌بخش است، اما اگر به درک درستی از زندگی نرسیم، باید با چالش‌های آن دست و پنجه نرم کنیم؛ آن هم با سختی و گله و شکایت فراوان.

در تمام جوامع بشری ثابت شده است هر کاری که انجام می‌شود، اگر ایده و هدف مشخصی را دنبال کند، حتی اگر به نتیجه رسیدن آن سخت و دشوار باشد، باز هم به نتیجه و دست‌آوردهای زیادی می‌رسد؛ البته این بستگی دارد به این‌که ما موفقیت را چگونه در ذهن خود تعریف کنیم؛ گاهی درآمد یا گاهی تجربه، اما در دنیای امروزی فرصتی برای تجربه‌اندوزی نیست. همه ما از صبح تا شب در حال سبقت گرفتن از یکدیگر هستیم، همدیگر را دور می‌زنیم، به هم دروغ می‌گوییم، پنهان‌کاری می‌کنیم تا بتوانیم به اهدافی که برایمان تعریف شده است برسیم، حالا به هر قیمتی فرقی نمی‌کند. ما کمتر فکر می‌کنیم و بیشتر اوقات برای رسیدن به مقصد همنشین دروغ می‌شویم تا این‌که در بستر صداقت بیاساییم، راه میان‌بر را به راه درست و سلامت ترجیح می‌دهیم. در واقع می‌پذیریم که احمقانه به راه خود ادامه دهیم و هیچ‌گاه خود و اندیشه خود را نقد نمی‌کنیم. هیچ‌گاه به تغییر خود فکر نمی‌کنیم، چون بیشتر وقت‌مان را سرک کشیدن در زندگی و احوالات دیگران پر کرده است. اگر با خودمان صادق باشیم، می‌بینیم از زندگی به جای لذت بردن، پر کردن وقت‌اش به ما رسیده است.

یکی از مهم‌ترین عناصر در آشتی با خود و پذیرش خودمان، آن‌طور که هستیم، این است که جنبه‌های تاریک وجود خویش را بررسی کنیم. اگر سایه‌های تاریک وجودیمان را نبینیم و آنها را نپذیریم، تأثیر مخرب بر زندگی ما بر جای می‌گذارند.

باید در قبال خودمان تعهد و اصالت داشته باشیم تا بتوانیم سایه‌های

تاریک وجودمان را شناسایی کرده و به شکلی مثبت آنها را در زندگی خود وارد کنیم، زیرا بخشی از رفتار ما ناخودآگاه است. ما غالباً پیش از آن که عیب‌های خود را تشخیص دهیم، آنها را در دیگران می‌بینیم و این باعث می‌شود از نظر هیجانی بیش از حد نسبت به شخصیت یا ویژگی‌های افراد از خود واکنش نشان دهیم. باید عنصر منجرکننده در درون خود را شناسایی کرده و از آن دوری کنیم به جای این‌که با آن همسان شویم. وقتی احساس همسانی کنیم، به ما احساس ناخوشایندی دست می‌دهد؛ پس اگر نتوانیم بر سایه‌های تاریک وجودمان مسلط شویم، او بر ما مسلط می‌شود و به هرکجا که دلش بخواهد ما را می‌کشاند، زندگی را باید در یک کرد و صادقانه اول با خودمان و بعد با دیگران همراه شویم.

کتاب «من یک احمق هستم، شما چطور؟» سعی کرده است با زبان ساده و عامیانه به برخی از مشکلات ریز و درشت جامعه امروزی بپردازد، شاید تلنگری باشد بر افرادی که ندانسته و یا ناخواسته باعث شده‌اند که جامعه امروز ما، جامعه اثباتی نباشد. آنچه مسلم است این که همه آدم‌ها دنبال پیشرفت خود و در کنار آن به دنبال آرامش خاطر هستند. باید بپذیریم که عده‌ای سودجو نمی‌خواهند آن‌طور که باید، جامعه پیش برود.

امروزه آنچه در جامعه به وقوع می‌پیوندد خواست ملت بزرگ ما نیست و دست‌اندرکاران و مجریان، شاید به آنها فکر نمی‌کنند، اما واقعیت این است که این اتفاقات و مشکلات کوچک رشد می‌کنند و

مانع اصلی پیشرفت هستند.

«ما را همان بس که سزاوار آن هستیم» پس برای داشتن یک جامعه پویا و سرزنده لازم است که به فردیت نیندیشیم و به ما بیندیشیم تا کمتر دچار چالش و نابسامانی گردیم.

زندگی به نگاه معصومانه کودکی می ماند که دوست را از دشمن تشخیص نمی دهد، پس با هوشیاری کامل آن را طی کنید.

صداقت، مهرورزی و شادکامی، آرزوی قلبی من برای شماست.

حسن چابک

خرداد ماه ۱۳۹۷